خبر

زلنسکی: فعلا پایانی برای جنگ با روسیه نمی‌بینم

ولودیمر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین با متهم کردن روسیه به ارتکاب جنایت جنگی در این کشور گفت پایان زودهنگامی برای جنگ نمی‌بیند.

زلنسکی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز گفت نتیجه جنگ با روسیه که وارد هفتمین ماه شده، اکنون بیش از هر چیز به ارسال سریع تسلیحات توسط کشورهای خارجی به کی‌یف وابسته است. وی با تکرار درخواست کشورهای غربی از دولت‌های متحد برای تحریم روسیه و ارسال سلاح به اوکراین توضیح داد: «ما کمک بیشتری از ترکیه می‌خواهیم، ما کمک بیشتری از کره‌جنوبی، جهان عرب و آسیا نیاز داریم.»

رئیس‌جمهور اوکراین با اشاره به «سد روانی» که رژیم سابق نازی در آلمان بر افکار مقامات کنونی این کشور برای ارسال تجهیزات نظام به کی‌یف ایجاد کرده، گفت: «اما این تسلیحات برای دفاع اوکراین از خود در برابر روسیه ضروری است.» زلنسکی ضمن بزرگ جلوه‌دادن عملیات ضدحمله نیروهای اوکراینی در جنوب اما درباره زمان اتمام جنگ اظهار داشت: «هنوز زود است بخواهیم درباره پایان این جنگ صحبت کنیم.»

این در حالی است که پیشتر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفته بود مسکو هر کاری انجام خواهد داد تا هرچه سریع‌تر جنگ در اوکراین به پایان برسد.

گفت‌وگوی «جام جم» با پروفسور حسین العسکری، مشاور ویژه پادشاه سابق عربستان

عضویت در شانگهای بهترین انتخاب ایران است

جواد حیران‌نیا
گروه بین‌الملل

بیست و دومین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای با حضور سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران و سران دیگر کشورهای عضو در شهر سمرقند ازبکستان برگزار شد و عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای به صورت رسمی اعلام شد. سران کشورهای چین، روسیه، هند، ایران، ازبکستان، قزاقستان، بلاروس، ترکیه، آذربایجان، قرقیزستان، پاکستان، مغولستان، تاجیکستان و ترکمنستان در این اجلاس حضور داشتند. درخصوص اهمیت عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای روزنامه جام‌جم گفت‌وگویی با پروفسور حسین العسکری انجام داد که در ادامه آمده است.

حسین العسکری، مشاور وزارت دارایی (۱۹۷۸ میلادی) عربستان بوده و از او به عنوان معمار اقتصاد عربستان نیز یاد می‌کنند. العسکری استاد تجارت بین‌الملل و امور بین‌المللی دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا و رئیس موسسه تحقیقات و مدیریت جهانی است و رئیس پیشین دپارتمان تجارت بین‌الملل دانشگاه جورج واشنگتن بوده است. زمینه تخصصی و بحث‌های او در دانشگاه جورج واشنگتن بر اقتصاد، توسعه سیاسی و انسانی در خاورمیانه، اختلافات و جنگ‌ها در خاورمیانه، اقتصاد سیاسی نفت و اقتصاد اسلامی متمرکز است. وی مشاور بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است.

ایران به عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای درآمد. گرچه این سازمان در ابتدا به انگیزه‌های امنیتی ایجاد شده ولی در حال حاضر سازمانی با عملکرد اقتصادی به‌شمار می‌رود. تحلیل شما از عضویت ایران در این مجموعه چیست؟

نیاز فوری ایران اقتصادی است. ایران برای توسعه تعدادی از پروژه‌های سودآور به سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیاز دارد. در این معادله چین می‌تواند به یک شریک استراتژیک برای گسترش توسعه LNG ایران برای رقابت با قطر و حتی فراتر تبدیل شود.

معادن ایران مانند مس، روی و اورانیوم با تلفیق سرمایه و فناوری می‌تواند توسعه یابد. ایران به فرصت‌های شغلی بهتری در حوزه‌های زیرساختی نیاز دارد. نیازهای اقتصادی ایران بسیار مهم است. ایران درصدد ایجاد پایه‌هایی محکم برای توسعه اقتصادی خود است. کسب ظرفیت‌های جدید و مبارزه با فساد اقتصادی دو مولفه‌ای است که در این معادله مورد توجه ایران است.

العسکری: ایالات متحده تصمیم گرفته است که اساسا از هر نظر ایران را تحت فشار و تحریم قرار دهد. در چنین شرایطی بهترین گزینه ایران عضویت در سازمان همکاری شانگهای است

منافع اقتصادی عضویت ایران در این سازمان چیست؟ در زمینه بانکی و تعرفه‌های گمرکی این سازمان چه کمکی به ایران می‌تواند بکند؟

در سازمان همکاری شانگهای، چین کلید اصلی ایران است. چین می‌تواند با تأمین منافع مالی ایران، از ظرفیت این کشور در تامین منابع گازی و نفتی خود استفاده کند. هر چند چین ملاحظاتی درخصوص تحریم‌های آمریکا دارد اما کلیت این روند به قوت خود باقی است.

پس از اثبات ناکارآمدی غرب و رخدادهایی که پس از انعقاد توافق هسته‌ای و خصوصا پس از خروج رسمی دولت آمریکا از توافق هسته‌ای رخ داد، نگاه به شرق و به عبارت بهتر، هم‌افزایی راهبردی با بازیگرانی مانند روسیه و چین مورد توجه تهران، مسکو و پکن قرار گرفت. عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای را چگونه در این قالب و چارچوب تفسیر می‌کنید؟

سازمان همکاری شانگهای یک نیروی محرک برای این سیاست خواهد بود. این قطب نما خواهد بود. در این معادله، من باردیگر اصرار دارم روی نقش اقتصادی و تجاری چین در نظام بین‌الملل متمرکز شوم. اگرچه تحریم‌های آمریکا علیه پکن به‌کرات اعمال شده و خواهد شد، با این حال، من مدت‌هاست احساس می‌کنم بهترین گزاره چین برای طولانی‌مدت، سرپیچی از تحریم‌های ایالات متحده است. بله، ایالات متحده تحریم‌های ثانویه را به چین تحمیل خواهد کرد اما توجه داشته باشید که خود نیز آسیب خواهد دید.

آمریکا مانند گذشته با تورمی مواجه خواهد شد که قبلا سابقه نداشته است و با کمبود برخی کالاها روبه‌رو می‌شود. پیامد روند کنونی، برخلاف روند جهانی شدن اقتصاد است. به عبارت دیگر شاهد معکوس شدن روند جهانی شدن اقتصاد خواهیم بود که تجارت را به طور شدیدی انقباضی و محدود خواهد کرد. پرسش این است که آیا ایالات متحده چنین خطری را خواهد پذیرفت؟ یا آیا مخالفان چین می‌تواند ضربه کاری به استفاده از تحریم‌های ایالات متحده را وارد کند؟ بله، در چنین استراتژی‌ای، خطراتی وجود دارد اما جهان نمی‌تواند بنشیند و اجازه دهد ایالات متحده به تحریم که جنگی خاموش است، ادامه دهد. این یک سلاح مخفی است که مشکلاتی برای جهان ایجاد می‌کند.

باتوجه به عضویت کشورهایی چون چین، هند و روسیه، سازمان همکاری شانگهای چه وزنه‌ای در نظم آینده نظام بین‌الملل خواهد داشت؟

بهترین گزینه ایران عضویت در سازمان همکاری شانگهای است. ایالات متحده تصمیم گرفته است اساسا از هر نظر ایران را تحت فشار و تحریم قرار دهد. این کشور توسط اسرائیل و چند کشور عربی، عمدتا عربستان سعودی و امارات، تحت فشار قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی منطق می‌گوید ایران باید ایالات متحده را فراموش کند. با این حال، امروز چین در ادامه رشد خود با برخی منازعات نیز روبه‌روست. چین ممکن است در جریان مجادله نظامی و مسلحانه با تایوان ایالات متحده نیز درگیر شود. اقتصاد روسیه هم به صادرات محصولات انرژی وابسته است و درگیری در اوکراین، ضعف اقتصادی آن را تا حدودی تشدیدکرده است. هند در حال تبدیل شدن به یک اقتصاد بزرگ است اما با برخی منازعات داخلی روبه‌رو است. البته با تمامی اوصاف، مسیر ترسیم‌شده ابتدایی در شکل‌دهی سازمان همکاری‌های شانگهای و اهداف اعلامی آن، هنوز برای اعضا اصالت و موضوعیت دارد. تاکید می‌کنم که عضویت در شانگهای انتخابی منطقی و خوب از سوی ایران بوده است.

یادداشت

دکترین روسیه درباره استفاده از سلاح‌های هسته‌ای

سعید سبحانی
گروه بین‌الملل

در روزهای گذشته با رد و بدل موضع‌گیری‌هایی میان مقامات روسیه و آمریکا درباره جنگ اوکراین، بار دیگر نگرانی‌ها در خصوص درگیری قدرت‌های هسته‌ای افزایش یافته و این سؤال پررنگ‌تر از قبل شده که آیا ممکن است نبرد اوکراین به یک جنگ اتمی منجر شود.

چند روز قبل بود که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با برنامه ۶۰ دقیقه شبکه «سی‌بی‌اس نیوز» به همتای روس خود درباره هرگونه استفاده از سلاح اتمی یا شیمیایی در اوکراین هشدار داد و گفت: «این کار را نکن، زیرا چهره جنگ را تغییر خواهید داد. این چیزی است که از زمان جنگ جهانی دوم سابقه نداشته است.»

این اظهارات بایدن پس از آن مطرح شد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، روز جمعه درباره برخی تلاش‌ها برای حملات تروریستی در روسیه از جمله حملات به تاسیسات اتمی این کشور هشدار داد و تصریح کرد: ما به این اقدام با خویشتنداری پاسخ می‌دهیم اما صرفا تا مدتی این‌طور خواهد بود و اگر قرار باشد وضعیت به همین شکل پیش برود، پاسخ جدی‌تری داده خواهد شد.

ظاهرا بایدن این اظهارات پوتین را چنین تفسیر کرده که روسیه ممکن است از سلاح‌های هسته‌ای در جنگ اوکراین استفاده کند.

اما دیمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین در پاسخ به اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا از او خواسته دکترین امنیت ملی روسیه را مطالعه کند تا به نتیجه دقیق‌تری در این زمینه برسد. سخنگوی رئیس جمهور روسیه در این زمینه توضیح داد: استفاده مسکو از سلاح اتمی، صرفا در چارچوب شرایط مندرج در دکترین امنیت ملی این کشور انجام خواهد شد و موارد استفاده روسیه از سلاح اتمی به‌صورت دقیق در دکترین ملی اتمی این کشور ذکر شده است.

خط قرمز روسیه

دکترین نظامی روسیه و همچنین سندی با عنوان «مبانی سیاست دولتی در زمینه بازدارندگی هسته‌ای» به‌طور جامع همه موارد و شرایطی را که مسکو در آنها می‌تواند از تسلیحات هسته‌ای استفاده کند، تشریح کرده است. بر اساس این اسناد، تجاوز به روسیه و متحدانش با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی یا تجاوز با استفاده از سلاح‌های متعارف، به‌صورتی که موجودیت این کشور در خطر بیفتد از جمله مواردی است که می‌تواند منجر به استفاده روسیه از سلاح‌های هسته‌ای شود.

روسیه بارها در شش ماه گذشته که جنگ اوکراین آغاز شده از ایالات متحده و متحدانش در ناتو خواسته با پیش گرفتن رویکردی متفاوت، مانند روسیه در این زمینه مسئولیت‌پذیر باشند و اجازه افزایش خطر استفاده از تسلیحات هسته‌ای را ندهند.

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه چندی قبل در اعتراض به کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به اوکراین گفته بود: «ما بارها به ایالات متحده در مورد عواقبی که ممکن است ادامه غرق‌کردن اوکراین در تسلیحات به‌دنبال داشته باشد، هشدار داده‌ایم. این کشور به‌طور عملی خود را در وضعیتی نزدیک چیزی قرار داده که می‌توان آن را یک طرف درگیری دانست.»

معاون وزیر خارجه روسیه همچنین افزود، مسکو و دیگر کشورها نگرانی خود را از گسترش سلاح‌های هسته‌ای و همچنین ترس خود را از انتقال تسلیحات هسته‌ای آمریکا به خارج از اروپا (که دهه‌هاست اتفاق افتاده) ابراز کرده‌اند. هشدارهای مسکو به واشنگتن درباره خطوط قرمز روسیه در اوکراین، محدود به این موارد نیست و در روزهای گذشته شاهد خط و نشان‌های شدیدتری از سوی مسکو هستیم. چند روز قبل ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه درباره ارسال موشک‌های دوربرد به اوکراین، هشداری تند به آمریکا داده و گفته بود: «اگر واشنگتن تصمیم بگیرد موشک‌های دوربرد به کی‌یف بفرستد از خط قرمز عبور کرده و به یک طرف مستقیم درگیری تبدیل خواهد شد.»

پیش از این آناتولی آنتونوف، سفیر روسیه در آمریکا هم به آمریکایی‌ها درباره تجهیز اوکراین به موشک‌های دوربرد به‌شدت هشدار داد و اعلام کرد، چنین کاری به معنای حضور مستقیم آمریکا در جنگ با روسیه خواهد بود.

به دنبال این هشدارها بود که در خبری به نقل از مقام‌های آمریکایی اعلام شد رهبران ارشد نیروهای مسلح این کشور به کاخ سفید توصیه کردند موشک‌های دوربرد به اوکراین ندهند.

تحلیل

بررسی رفتار مخرب آمریکا در غرب آسیا در دهه‌های مختلف

الگوی ویرانگر

مروری بر عملکرد دولت‌های مختلف آمریکا در غرب آسیا، حاوی درس‌های مهمی است و نشان می‌دهد اقدامات آمریکا در این منطقه عمدتا بر اساس دو رویکرد است و عملکرد دولت بایدن نیز موید همین مسأله است. یکی از رویکردهای آمریکا روابط دوستانه با متحدانش در منطقه و حمایت گسترده از این کشورهاست؛ کشورهایی که عمدتا بویی از دموکراسی نبرده‌اند و با زور و استفاده از حمایت‌های خارجی بر مردم خود حکومت می‌کنند. رویکرد دیگر آمریکا برای جهت‌دهی تحولات غرب آسیا، استفاده از نیروی نظامی و اقدامات تهاجمی در برخی موارد است. در این موارد نیز اگرچه آمریکا ابتدا توانسته چهره‌ای مقتدر از خود نشان دهد، اما ادامه تحولات به‌سرعت باعث تحقیر آمریکایی‌ها شده و اقدامات آمریکا چیزی جز بی‌ثباتی برای منطقه و حقارت برای آمریکا نداشته است.

کارنامه‌ای پر از شکست

تجربه دوایت آیزنهاور، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده در دهه ۱۹۵۰ نمونه‌ای از این تجربیات است. ستاره ایالات متحده پس از پایان جنگ جهانی دوم در منطقه طلوع کرده بود. آیزنهاور برای تثبیت موقعیت این کشور در منطقه، خواستار خروج انگلیس فرانسه و اسرائیل از خاک مصر پس از بحران سوئز در سال ۱۹۵۶ شد. با این حال تنها دو سال بعد و پس از مداخله ارتش آمریکا در لبنان برای تثبیت دولت شکننده در این کشور، هرآنچه آیزنهاور ایجاد کرده بود، به‌سرعت نابود شد. رونالد ریگان، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده قربانی همین الگوی مخرب شد. او ابتدا به دنبال قدرت‌نمایی در خاورمیانه بود و سال ۱۹۸۳ نیروهایی را به لبنان اعزام کرد تا در جنگ داخلی این کشور نقش‌آفرینی کنند. با این حال پس از دو بمبگذاری مرگبار که منجر به کشته شدن ۲۵۸ آمریکایی شد، ریگان ناگهان نیروهای آمریکایی را خارج کرد. این اتفاقات این سؤال بزرگ را برای بازیگران منطقه ایجاد کرد که آمریکا -که در ظاهر یک ابرقدرت است - چطور نمی‌تواند حتی در یک کشور کوچک -که جمعیت آن از خیلی از ایالت‌های آمریکا کوچک‌تر است- برنامه‌های خود را عملیاتی کند؟ در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ آشوب‌طلبی‌های صدام، دامن حامیان سابق خود را نیز گرفت. هنگامی که نیروهای صدام حسین، رئیس‌جمهور وقت عراق در سال ۱۹۹۰ به کویت حمله کردند، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده جورج اچ دبلیو. بوش یک حمله هوایی ۳۸ روزه را آغاز کرد که به طور زنده از سی‌ان‌ان پخش شد و پس از آن یک جنگ زمینی ۱۰۰ ساعته رخ داد. ارتش عراق سرکوب و کویت آزاد شد. ایالات متحده دوباره آن رعب و وحشتی را که می‌خواست، میان بازیگران منطقه ایجاد کرد. با این حال این رعب و وحشت و احترامی که برخی کشورهای منطقه برای هیبت آمریکا قائل شده بودند، کوتاه‌مدت بود. وقتی صدام آن‌طور که واشنگتن می‌خواست قدرت را واگذار نکرد، آمریکا سیاست مهار و انزوای عراق را در پیش گرفت. متحدان منطقه‌ای ایالات متحده، مانند امارات، با این سیاست مخالفت کردند و در عوض خواهان ادغام مجدد صدام در نظم عرب شدند. این مسأله باعث ایجاد یک شکاف عمیق شد.

سقوط به قهقرا

همین چرخه در دهه ۲۰۰۰ تکرار شد. تهاجم سریع ایالات متحده - به دستور جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده - صدام را سرنگون و دشمنان را شگفت‌زده کرد. این بار، معمر قذافی، رهبر لیبی، تاسیسات هسته‌ای خود را اعم از دستگاه‌های سانتریفیوژ، قطعات مربوط، مدارک و مخزن‌های حاوی هگزا فلورایداورانیوم به آمریکا منتقل کرد. قذافی همچنین موشک‌های اسکاد خود را نیز منهدم کرد و هژمونی منطقه‌ای ایالات متحده را پذیرفت. با این حال، باز هم، سقوط ایالات متحده سریع بود. مردم عراق، ارتش آمریکا را در تنگنا قرار دادند. دیپلمات‌های آمریکایی نه می‌توانستند برای دشمنی‌های بی‌سابقه مردم عراق با آمریکا راه‌حلی پیدا کنند و نه اختلافات داخلی را حل کنند. در جایی که آمریکا تلاش کرده بود برنامه‌های خود را پیاده کند، نفوذ جمهوری اسلامی ایران افزایش یافت. قدرت آمریکا دوباره رو به افول بود. حتی متحدان سرسخت آمریکا، این کشور را به چالش کشیدند. برای مثال، حسنی مبارک، رئیس‌جمهور وقت مصر شش سال از سفر به ایالات متحده خودداری کرد. در میان چنین اقداماتی که همیشه برای آمریکا نتیجه معکوس داشته است ایالات متحده از سیاست مخرب دیگری نیز در غرب آسیا پیروی کرده و از ناحیه این سیاست‌ها نیز خسارت‌های جبران‌ناپذیری به مردم منطقه وارد کرده است. این سیاست، حفظ روابط خوب و حمایت از دولت‌های مستبد منطقه غرب آسیاست که باعث شده مردم این کشورها از حقوق اولیه نیز محروم بمانند. آمریکا و متحدان مستبدش در خاورمیانه، حفظ منافع خود را در گرو این ارتباط دوطرفه می‌دانند و با وجود برخی اختلافات در بعضی مقاطع حفظ این ارتباط را بر قطع آن ترجیح داده‌اند؛ چرا که از یک طرف متحدان منطقه‌ای آمریکا می‌دانند بدون حمایت آمریکا قادر به حفظ حاکمیت خود بر مردم کشورشان نیستند و از سوی دیگر آمریکا برای پیشبرد سیاست‌های خود به این کشورها نیاز دارد. به عنوان مثال، رژیم سعودی و امارات در سال‌های گذشته با وجود انتقاداتی که از سیاست‌های آمریکا داشته‌اند اما می‌دانند برای بقای خود نیازمند آمریکا هستند.

آمریکا نیز از خوش‌خدمتی‌هایی که این کشورها برایش می‌کنند راضی است و این رابطه ادامه دارد. نمونه آن در مورد مواضع بایدن در خصوص عربستان سعودی و بن سلمان بود که نهایتا همه آنها را زیر پا گذاشت و با سفر به عربستان سعودی، سیاست‌های گذشته آمریکا را در قبال ریاض تحکیم بخشید. این رویکرد بایدن در قبال ریاض، نشان‌دهنده تداوم همان سیاست‌های گذشته آمریکا در قبال خاورمیانه است. بایدن در رقابت‌های انتخاباتی با اشاره به قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار سعودی به دستور بن سلمان، گفته بود رژیم سعودی را به یک رژیم منزوی تبدیل خواهد کرد اما پس از اتخاذ این مواضع سختگیرانه، رویکرد آشتی جویانه‌تری را در پیش گرفت.

در این مقطع، افزایش شدید قیمت انرژی و افزایش سرسام‌آور تورم که باعث ایجاد ناامیدی عمومی در آمریکا شده است، باعث تغییر محاسبات شد و با سفر به عربستان تلاش کرد ریاض را متقاعد به افزایش تولید نفت کند اما با این حال تجربه سال‌های گذشته نشان داده حمایت این کشور از کشورهای مستبد منطقه‌ای، یک سیاست تثبیت شده در کاخ سفید است و همان ابتدای دولت بایدن، بسیاری از تحلیلگران اعتقاد داشتند با وجود مواضع سرسختانه‌ای که او در قابل عربستان می‌گیرد، منافع مشترک و وابستگی متقابل، به طور قطع غالب خواهد شد و سفر بایدن به عربستان نشان داد این تحلیل‌ها درست بودند.